

تأملی فقهی بر حکم عدم اشتراط اذن شوهر در حجه الاسلام^۱

محمد رضا کیخا^۲

حمید موذنی بیستگانی^۳

مرضیه قاسمی بیستگانی^۴

چکیده

مطابق دیدگاه مشهور فقهای امامیه، زنی که مستطیع، و حجه الاسلام بر او واجب باشد، نه تنها به اذن شوهر نیازی ندارد، بلکه اگر شوهر، وی را از انجام حج بازدارد، نباید از شوهر اطاعت کند و واجب است حج را به جای آورد؛ در حالی که امکان دارد این امر با حقوق شوهر تزامم پیدا کند. نظر مشهور، عدم اشتراط اذن زوج است که شامل فرض تلازم حج با تضييع حق شوهر مبنی بر لزوم تمکين خاص از سوی زوجه نیز می‌شود. این در حالی است که فقهای اهل سنت، در چنین فرضی، قائل به عدم استطاعت زوجه و در نتیجه، عدم وجوب حج بر وی هستند. استناد فقهای امامیه به اطلاق خبر واحدی است که مطابق یافته‌های این پژوهش، دلالتش ناتمام است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده، نشان می‌دهد برخی تأملات در مقام استظهار از ادله باب وجود دارد. نتیجه تأمل در آن ادله این است که صرفاً در فرض عدم تضييع حقوق زوج، اطاعت از شوهر، ساقط می‌شود. اما در جایی که انجام حج، مستلزم تضييع حق تمکين خاص شوهر باشد - خصوصاً آنگاه که شوهر به گناه بیفتد - و زوج، به انجام حج اذن ندهد، وجوب حج بر زوجه مورد تأمل خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

اذن زوج، حجه الاسلام زوج، تمکين خاص، استطاعت، فقه خانواده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. تاریخ دریافت اولیه مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۳/۵
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)
kaykha@hamoon.usb.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
moazzeni62@gmail.com
۴. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران
m.ghasemi000.b@gmail.com

مقدمه

فقهای امامیه معتقدند انجام حجه الاسلام، در فرض استکمال شرایط، متوقف بر اذن شوهر نیست؛ بنابراین اگر شوهر، همسر خود را از انجام حجه الاسلام منع کند، نه تنها اطاعت از وی واجب نیست، بلکه بر زن واجب است که با شوهر مخالفت کند و حج خود را به جا آورد. اما به نظر می‌رسد فرع مذکور به صورت مطلق بیان شده است، حال آنکه امکان دارد طولانی بودن زمان انجام مناسک حج، با حقوق شوهر تراحم پیدا کند و برای زوج، زمینه رفع نیاز جنسی فراهم نباشد؛ از این رو منجر به ارتکاب حرام شود؛ بنابراین باید بررسی شود که در چنین صورتی کدام حق - حق الله یا حق الناس - بر دیگری تقدم دارد؟ آیا می‌توان گفت عدم وجود چنین تراحمی جزو شرایط تحقق استطاعت برای زوجه است؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان گفت ادله‌ای که مطلقاً انجام حجه الاسلام زوجه را واجب دانسته اند، به وسیله ادله‌ای که زوجه را موظف به تمکین کامل می‌کند، مقید می‌شود؟ لازمه تقیید مذکور این است که بگوییم ادله‌ای که رضایت زوج را شرط نمی‌دانند، ناظر به فرض عدم خوف از وقوع در گناه است، یعنی در موارد غیر حج، حتی اگر خوف از وقوع در گناه هم نباشد، زوج می‌تواند به هر دلیلی مانع از انجام اعمال منافی با حق تمکین شود، ولی در قضیه حج، چنین حقی برای زوج وجود ندارد و برای زوج، چنین حقی قرار داده نشده که در هر حالی، متقاضی تمکین زوجه شود. بنابراین نتیجه تقیید مذکور، چنین می‌شود که اگر زوجه، از احوال شخصی زوج احراز کند که عدم رضایت وی به جهت خوف از وقوع در گناه است، در چنین فرضی لزوم تمکین، مانع از تحقق استطاعت شرعی خواهد بود.

با توجه به اجماع فقها، قول به خلاف دیدگاه مذکور دشوار است؛ از این رو رسالت این مقاله، صرفاً بیان یک بحث علمی و بازپژوهی ادله این باب و در نهایت، بیان پاره‌ای از تأملات اصولی و فقهی است که تلاشی علمی در پیش‌روی محققان این عرصه به شمار می‌رود.

پرسش اصلی آن است که با توجه به قاعده و اصل اولی مبنی بر لزوم کسب اذن از شوهر جهت انجام سفر و وجوب تمکین خاص برای همسر در هر وضعیتی که باشد،

آیا دلیل خاصی بر خروج فرع مذکور از تحت اصل اولی وجود دارد؟ به عبارت دیگر، پس از اثبات اناطه و اشتراط سفر زوجه به اذن زوج، آیا دلیلی بر تخصیص سفر حج از این حکم کلی هست تا گفته شود سفر حج، از آنجا که سفری برای انجام واجب است، مشروط به اذن زوج نیست؟ جهت پاسخ به پرسش مذکور، ابتدا مفاد اخبار خاصه‌ای بررسی می‌شود که فقها عدم اشتراط اذن زوج را از آنها استنباط کرده‌اند، سپس نسبت ادله مذکور با ادله عامه‌ای که مطلقاً اذن شوهر را جهت سفر شرط می‌دانند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی واژه‌ها

۱. استطاعت

برخی از اهل لغت، استطاعت را به معنای قدرت بر چیزی دانسته‌اند (بن‌تایر جزری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۲)، ولی به نظر می‌رسد مفهوم قدرت و استطاعت مترادف نباشند، و با هم اختلاف مفهومی داشته باشند. راغب استطاعت را خاص‌تر از قدرت دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ص ۵۲۹) و زبیدی تصریح می‌کند که: «گاه صرفاً به جهت دشواری و صعوبتی که از ناحیه کاری متوجه شخصی می‌شود گفته می‌شود فلانی مستطیع نیست» (زبیدی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۱، ص ۳۲۹)؛ بنابراین هر مستطیعی قادر است، لکن هر قادری مستطیع نیست. قدرت، مفهومی است که صرفاً دلالت بر شرایط عقلی تمکن می‌کند، ولی استطاعت، دلالت بر معنایی اخص از قدرت دارد، به‌ویژه آنکه خداوند می‌فرماید: «مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً» (آل عمران، ۹۷). در این آیه به فعل استطاع، جار و مجروری تعلق یافته و سبباً مفعول آن ذکر شده است. اینها قرائنی است که نشان می‌دهد شارع مقدس، به مطلبی فراتر از صرف قدرت عقلی عنایت دارد (صدر، ۱۴۲۰ هـ ج ۲، ص ۲۱۹).

مشهور فقها برای بیان معنای اصطلاحی استطاعت و مفهوم شرعی آن، استطاعت را مشروط به تحقق عناصری نظیر زاد و راحله کرده‌اند. ایشان معتقدند استطاعت معتبری که موضوع ترتب وجوب حج است، همان استطاعت خاصی است که با وجود زاد و راحله، حاصل می‌شود (خویی، ۱۴۱۸ هـ ج ۲۶، ص ۱۵۷). ایشان گاهی رجوع به کفایت و بازبودن مسیر

از جمیع موانع را نیز بر دو مورد مذکور می‌افزایند (طوسی، ۱۴۰۰هـ ص ۲۰۳). سید مرتضی (۱۴۱۷هـ ص ۳۰۱)، ابن‌ادریس حلی (۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۵۰۷)، فاضل آبی (۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۳۲۴)، محقق حلی (۱۴۱۸هـ ج ۱، ص ۷۵)، علامه حلی (۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۳۰۹)، فخرالمحققین حلی (۱۳۸۷)، ج ۱، ص ۲۶۷، بسیاری دیگر از فقها استطاعت را به معنایی که ذکر شد، تفسیر کرده‌اند (راوندی، ۱۴۰۵هـ ج ۱، ص ۲۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹هـ ج ۱، ص ۲۶۴؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۶؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۳۳۶).

۲. حجه الاسلام

حج، مصدری از ماده حجج یحجج است که اسم مصدر آن حج است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ ص ۲۱۸). برخی از لغویان معنای لغوی حج را مختص «فراوان قصد کردن شخصی بزرگ» دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ ج ۳، ص ۹). در مقابل، گروهی دیگر حج را به معنای «مطلق قصد» و «قصد به سوی هر چیزی» می‌دانند که شارع، آن را به معنای «قصد معینی که از شروط معلوم برخوردار است»، اختصاص داده است (جوهری، ۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۳۰۳؛ ابن‌اثیر جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۰). بنابراین حج در شریعت اسلام به معنای قصد بیت‌الله الحرام به منظور ادای مناسک مخصوص بر وجه مخصوص و در زمان مخصوص از ناحیه مکلفی است که شرایط مخصوص دارد. این حج، بر دو قسم واجب و مستحب است. حج واجب بر دو قسم است: گاهی به واسطه نذر و امثال آن واجب می‌شود؛ گاهی هم به اصل شرع، واجب می‌شود که به آن حجه الاسلام گویند (طوسی، ۱۳۷۵هـ ص ۲۹۷).

شرایط وجوب حجه الاسلام

فقها در بیان شرایط وجوب حجه الاسلام، به‌رغم عدم تفاوت‌های اساسی، در مقام احصا و اعداد آنها آرای متفاوتی دارند. شرط وجوب حج از نظر ابن‌ادریس، هفت چیز است که عبارت‌اند از: بلوغ، کمال عقل، حریت، صحت، وجود زاد و راحله، رجوع به کفایت (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۵۰۷). در بیان فاضل آبی شرایط حجه الاسلام، شش چیز است که عبارت‌اند از: بلوغ، عقل، حریت، زاد و راحله، تمکن مسیری. صحت و امکان سوارشدن و

بازبودن راه، همگی داخل در تمکن مسیری می‌باشند(فاضل آبی، ۱۴۱۷هـ.ج، ۱، ص ۳۲۴). ایشان با گنجاندن برخی از شروط داخل برخی دیگر، تعداد آنها را از هفت شرط عمومی و خصوصی به شش شرط، تقلیل داده است. محقق حلی، شرایط وجوب حجه الاسلام را پنج چیز می‌شمرد: بلوغ و کمال عقل، حریت، زاد و راحله، برخوردارگی از مئونه کافی، امکان سیر(محقق حلی، ۱۴۰۸هـ.ج، ۱، ص ۲۰۰). علامه حلی، شرط وجوب حجه الاسلام را تکلیف و حریت و استطاعت می‌داند. با این بیان، با ادغام برخی شروط در برخی دیگر، شروط وجوب حجه الاسلام را به سه شرط تقلیل می‌دهد و سپس در مقام تفسیر استطاعت می‌نویسد: استطاعت، همان زاد و راحله، خرج عیال، و امکان مسیر است؛ امکان مسیر عبارت از صحت، و باز بودن مسیر و توانایی سوارشدن و نیز وقت کافی داشتن است(حلی، ۱۴۱۰هـ.ج، ۱، ص ۳۰۹). البته ایشان در جای دیگر، شروط حج را تا شش شرط، می‌شمارد(همو، ۱۴۱۱هـ.ص ۷۱).

اخبار مورد استناد در شرط یا عدم شرط اذن زوج

پیش از بیان دیدگاه فقهای امامیه، ابتدا روایاتی بررسی می‌شوند که در تحلیل و واکاوی این فرع فقهی، مورد استناد قرار می‌گیرند. این اخبار بر دو دسته‌اند:

دسته نخست اخبار: این دسته اخبار به صورت مطلق، خروج زن از منزل را بدون اجازه شوهر معصیت دانسته و از آن نهی کرده‌اند. این اخبار بر دو قسم‌اند: برخی به تمکین عام و برخی به تمکین خاص پرداخته‌اند. مقصود از تمکین خاص، اطاعت از نیازهای جنسی و غریزی مرد است که شریعت، بر تأمین آنها از سوی زن پا فشرده است. این وظیفه زنان، از مهم‌ترین واجبات الهی بر آنان است که به هنگام تزامم با امور دیگر، مقدم خواهد بود. در این دسته اخبار، به صورت اکید و خاص، تأکید شده که مردان، نیازهایی دارند که اگر از سوی همسر، مورد غفلت یا تغافل قرار گیرد، آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال خواهد داشت. در ادامه به هر دو دسته از این اخبار اشاره می‌شود:

اخبار مربوط به تمکین عام: از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که حق شوهر بر همسرش آن است که وی از او اطاعت کند و معصیتش نکند و از خانه‌اش بی‌اجازه

خارج نشود(کلینی، ۱۴۰۷هـ ج ۵، ص ۵۰۷). روایات فراوانی با همین مضمون آمده که برپایه آنها، به عدم جواز خروج زن از منزل، بدون اجازه شوهر فتوا داده شده است(صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳هـ ج ۱، ص ۳۴۰).

اخبار مربوط به تمکین خاص: اخبار دیگری نیز به تمکین خاص اشاره کرده و از تکلیف زن نسبت به قضاء حاجات جنسی مرد، سخن گفته‌اند. در این دسته روایات، سفارش پیامبر(ص) به زنان این بود که نماز خود را طولانی نسازند تا شوهرانشان از خواسته خود بازداشته شوند(حرّ عاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۱۶۴). به فرموده آن حضرت(ص)، زنی که شوهرش به او نیاز دارد، اما او به قدری به تأخیر می‌اندازد که شوهرش به خواب می‌رود، پیوسته مورد لعن ملائک خواهد بود تا آنکه شوهر، بیدار شود(حرّ عاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۱۵۹). در روایتی دیگر پیامبر(ص) درباره حق شوهر بر همسرش فرمود: حق شوهر این است که زنش نیاز او را اجابت کند، حتی اگر بر پشت مرکب باشد(کلینی، ۱۴۰۷هـ ج ۵، ص ۵۰۸). این اخبار، به صریح‌ترین بیان، اوج تأکید را نسبت به این مهم می‌رسانند که زنان هرگز و با هیچ بهانه‌ای نباید از این نیاز اساسی شوهر، غفلت ورزند و درباره آن تعلل کنند.

دسته دوم اخبار: اخباری هستند که طبق برداشت فقها، انجام حج را مشروط به اذن زوج نمی‌دانند. نظر به اهمیت ویژه‌ای که این دسته روایات در موضوع محل بحث دارند، هر سه روایت موجود که در این باره آمده است، بیان می‌شود، هر چند دو روایت مثل هم هستند:

روایت نخست: محمد بن مسلم از امام صادق(ع) درباره زنی پرسید که حج به جا نیاورده و شوهرش نیز بدون دادن این اذن، غائب شده است. امام(ع) فرمود: اطاعت از این مرد در حجه الاسلام، واجب نیست(طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۸).
روایت دوم: معاویه بن وهب نیز از امام صادق(ع) پرسید زنی شوهردار است و شوهر او از اجازه دادن به وی جهت انجام حج، خودداری کرده و این زن، حجه الاسلام

۱. سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ لَمْ تَحُجَّ وَ لَهَا زَوْجٌ فَأَبَى أَنْ يَأْذَنَ لَهَا فِي الْحَجِّ فَغَابَ زَوْجُهَا فَهَلْ لَهَا أَنْ تَحُجَّ قَالَ لَا طَاعَةَ لِي عَلَيْهَا فِي حَجَّةِ الْإِسْلَامِ.

انجام نداده است سپس شوهرش غائب شده است درحالی که او را از انجام حج، نهی کرده است. امام فرمودند اطاعت از این مرد در حجه الاسلام، لازم نیست. اگر خواست حج بجا آورد (طوسی، ۱۴۰۷ هـ ج ۵، ص ۴۷۴) ^۱.

روایت سوم: زراره می گوید از امام باقر(ع) پیرامون زنی شوهر دار پرسیدم که هنوز حج واجب بجا نیاورده و شوهرش به او اجازه حج نمی دهد. امام فرمودند حج بجا آورد گرچه شوهرش اجازه نداده باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ ج ۲، ص ۴۳۷) ^۲.

قاعده و اصل اولی در سفر زن بدون اذن زوج

پیش از بیان دیدگاه فقهای امامیه و بررسی ادله ایشان، در ابتدا به بیان ضابطه و قاعده اولی درباره سفر رفتن زوجه و انجام حج بدون اذن زوج می پردازیم. در صورت و فروعی که به دلیل قطعی از تحت قاعده اولی، خارج شده اند مطابق دلیل خاص، عمل می شود اما در موارد مشکوک، لازم است به قاعده اولیه مراجعه کنیم. نظر به اخبار دسته نخست، سفر رفتن زن بدون اذن شوهر، ممنوع و حرام شمرده می شود (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹ هـ ج ۲، ص ۷۶۵۸). به همین جهت است که سفر زوجه بدون اذن زوج، یکی از مصادیق سفر حرام است که نماز در آن تمام است مگر اینکه دلیل بر واجب بودن سفر مذکور، اقامه شده باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ ج ۳، ص ۴۳۶). بر مبنای مطلق انگاری ممنوعیت سفر زوجه بدون اذن زوج، انجام حج ندبی نیز بدون اذن شوهر، حرام دانسته شده است (حلی، ۱۴۱۳ هـ ج ۱، ص ۴۰۸).

دیدگاه فقهای امامیه بر لزوم یا عدم لزوم اذن زوج در حجه الاسلام زن

اجماع فقهای امامیه بر آن است که انجام حجه الاسلام توسط زن، متوقف بر اذن زوج نیست. شهید اول (۱۴۱۴ هـ ج ۱، ص ۳۷۹)، ابن ادریس حلی (۱۴۱۰ هـ ج ۱، ص ۶۲۵)، علامه

۱. قُلْتُ يَا أَبِی عَبْدِ اللَّهِ امْرَأَةٌ لَهَا زَوْجٌ فَأَبَى أَنْ يَأْذَنَ لَهَا فِي الْحَجِّ وَ لَمْ تَحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَغَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا وَقَدْ نَهَاها أَنْ تَحِجَّ فَقَالَ لَا طَاعَةَ لَهُ عَلَيْهَا فِي حَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَلَا كَرَامَةَ لَتَحِجَّ إِنْ شَاءَتْ.

۲ سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ لَهَا زَوْجٌ وَ هِيَ صَرُورَةٌ وَ لَا يَأْذَنُ لَهَا فِي الْحَجِّ قَالَ تَحِجُّ وَ إِنْ لَمْ يَأْذَنُ لَهَا.

حلی(۱۴۱۳هـ ج ۱، ص ۴۰۸)، محقق ثانی(۱۴۱۴هـ ج ۳، ص ۱۲۸)، و محقق سبزواری(۱۴۲۳هـ ج ۱، ص ۲۱۵) از فقهای هستند که به صراحت حکم به عدم اشتراط انجام به اذن زوج کرده‌اند. آیات عظام مکارم شیرازی، روحانی، صافی گلپایگانی نیز فتوا به عدم اشتراط داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶هـ ص ۲۰؛ روحانی، ۱۴۳۵هـ ج ۲، ص ۳۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳هـ ج ۱، ص ۳۳۶). ذکر این نکته ضروری است که عمدتاً فقها به فرع محل بحث، تصریح نکرده‌اند، یعنی سخنی از فرض تعارض حجه‌الاسلام زوج به حق زناشویی زوج به میان نیاورده‌اند و این فتوا از اطلاقات ایشان به دست می‌آید. البته وقتی سخن از حج مستحبی زوج به میان می‌آید برخی به فرض مذکور پرداخته‌اند. از برخی فقها استفتا شده است که آیا صحت حج ندبی زوج، حتی در جایی که منافات با حقوق زوجیت نداشته باشد، همچنان متوقف بر اذن زوج است؟ در پاسخ گفته شده است: «اگر انجام حج ندبی توسط زوج، منافاتی با حق زوج نداشته باشد، مثل اینکه همراه یکدیگر در سفر حج باشند، اشکالی ندارد» (تبریزی، ۱۴۲۷هـ ج ۴، ص ۲۷۹). اما استفتائاتی پیرامون فرع محل بحث این مقاله یافت نشد و فتوای مشهور از اطلاق فتوای ایشان به عدم توقف حجه‌الاسلام زوج بر اذن زوج، به دست آمد. از این رو جهت تکمیل مطلب، استفتایی از محضر برخی مراجع معظم تقلید صورت گرفت که متن استفتاء و پاسخ‌ها عیناً بیان می‌شود:

استفتاء: «احتراماً مستدعی است تکلیف زوج در فرض حصول استطاعت و منع زوج از وی را بیان فرمایید. منع زوج، به این استدلال است که سفر زوج، منافی حقوق زناشویی زوج است که با انجام این سفر، خوف وقوع زوج در گناه می‌رود».

دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی: «اجازة شوهر در سفر حج واجب شرط نیست؛ بنابراین زن باید حج خود را به جا آورد، هر چند بهتر، جلب رضایت شوهر است»^۱
 دفتر مقام معظم رهبری: «اگر زوج شرایط استطاعت را داشته باشد، حج بر او واجب است و در این زمینه اجازة شوهر شرط نیست و آنچه در سؤال آمده است، مجوز شرعی بر ترک حج واجب زن نیست»^۲.

۱. دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، مرکز پاسخگویی به سؤالات، کد رهگیری: ۰۹۹۰۴۰۲۰۰۳۰.

۲. شماره استفتاء: ۵۲ {۹۵۵۶} به تاریخ ۲ تیر ۱۳۹۹.

دفتر آیت الله نوری همدانی: «در صورت استطاعت، حج واجب است و نیاز به اذن شوهر نیز نیست»^۱.

تحلیل و نقد ادله قول مشهور

در اینجا ادله‌ای که فقها جهت اثبات عدم اشتراط اذن زوج در وجوب حج بیان کرده‌اند، بررسی می‌شود:

۱. قرآن: ابن‌ادریس حلی، بدون اشاره به آیه خاص، صرفاً قرآن را دلیل حکم مذکور می‌داند (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۶۲۵). شاید تمسک ایشان به قرآن، ناظر به این آیه باشد: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران، ۹۷)؛ یعنی: و بر مردم حج و زیارت خانه خدا واجب است، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. در این آیه، صرف حصول استطاعت، سبب وجوب حج دانسته شده است. از آنجایی که عواملی نظیر اذن یا منع شوهر، دخیل در حصول عنوان استطاعت عرفی نیست، بدون اذن شوهر احراز موضوع یعنی مفهوم «مستطیع» تحقق می‌یابد و وجوب حج بر آن مترتب می‌شود.

نقد: اکتفا به آیه شریفه مذکور جهت اثبات حکم مذکور مردود است؛ زیرا همانطور که در مقام تبیین ادله دیدگاه مختار خواهیم گفت، احتمال می‌رود مقصود شارع از استطاعت در آیه مذکور استطاعت به معنای شرعی آن باشد؛ از این رو جهت تشخیص مراد شارع باید به اخبار مربوط به آن مراجعه کرد تا مقصود شارع از مفهوم مذکور را دریافت. ضمناً بیان خواهد شد که چنانچه استطاعت به معنای معهود عرفی‌اش، مقصود باشد، باز هم مفید مدعای فقها نخواهد بود.

۲. تمسک به اخبار دسته دوم: این دسته اخبار که پیش از این بیان شد، حکایت از عدم اشتراط اذن شوهر در وجوب حج بر زن داشت. مهم‌ترین دلیل فقها بر حکم مذکور، همین دلیل است که به تفصیل در مقام بیان ادله دیدگاه مختار نقد و بررسی خواهند شد.

۱. استفتای مذکور با کد ۳۹۱۴۴ در سایت آیت الله نوری همدانی ثبت شده است.

۳. **تمسک به کلام مشهور امیرالمؤمنین:** ایشان فرمود: «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق» (ابن حبیون، ۱۳۸۵هـ ج ۱، ص ۳۵۰). علامه حلی حکم مذکور را مطابق این خبر می‌داند (حلی، ۱۴۱۲هـ ج ۱۳، ص ۶۷). بنا بر این حدیث، وقتی حج بر زن واجب شد، معنا ندارد که جهت اطاعت از زوج که مخلوق است، از تکلیف الهی سرپیچی کند.

نقد: آنچه تمسک به حدیث مذکور را مخدوش می‌سازد، این است که چنین استدلالی مصادره به مطلوب است؛ زیرا در جایی که اصل معصیت بودن حج زوجه بی‌اذن زوج، محل بحث است و هنوز معصیت بودن آن ثابت نشده است، وجهی برای تمسک به خبر مذکور باقی نمی‌ماند. خبر مذکور در جایی استدلال می‌پذیرد که اصل معصیت بودن در مرتبه پیشین اثبات شده باشد؛ حال آنکه مقام ما مقام بررسی و واکاوی اصل معصیت بودن چنین سفری است. پس وقتی صدق عنوان «معصیت» مورد تردید قرار گرفت و محرز نشد، حکم هم بر آن مترتب نمی‌شود.

۴. **تمسک به اخباری که به طور مطلق، مردان را از منع زنان برای شرکت در مساجد، نهی کرده است:** ابن‌ادریس، به این دسته از اخبار، تمسک جسته است (ر.ک: ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۶۲۵) نظیر: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله وليخرجن تفلات»؛ یعنی: کنیزان خدا را از رفتن به مساجد، نهی نکنید. البته باید بدون عطر، از خانه خارج شوند (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳هـ ج ۱۷، ص ۳۵۴). مقصود از کنیزان خدا در این خبر، همسران می‌باشند و ناظر به کنیز مصطلح نیست.

۵. **نقد:**

اولاً: حدیث مذکور در هیچ‌یک از کتب معتبر روایی شیعه نقل نشده است. از میان فقهای شیعه تنها ابن‌ادریس حلی به آن تمسک جسته است؛ از این رو مجلسی بدون بیان سند صرفاً با تعبیر «رُوی» به نقل آن می‌پردازد.

ثانیاً: اگر قرار باشد مردان به طور کلی از منع کردن زنان، ممنوع باشند و به عبارت دیگر، منع کردن زنان بر آنها حرام باشد و یا منع آنها وضعاً اعتبار و حجیت نداشته باشد وجهی برای صدور اخبار دسته نخست - مبنی بر لزوم کسب اذن زوج جهت خروج از منزل - باقی نمی‌ماند. البته شاید در مقام پاسخ به نقد دوم گفته شود اخبار مذکور

می‌توانند مفید لزوم کسب اذن باشند اما این پاسخ، درست نیست زیرا اگر کسب اذن، لازم باشد اما زوج، حق منع زوجه را نداشته باشد چنین لزوم کسب اذنی لغو خواهد بود. پس لزوم کسب اذن، الزاما می‌بایست با تحفظ بر حق منع زوج باشد که آن هم گفتیم با اشکال اخیر یعنی لزوم بلاوجه بودن صدور اخبار دسته نخست مواجه خواهد بود.

۶. **تمسک به اجماع:** این مستند نیز توسط ابن‌ادریس، بیان شده است (ابن‌ادریس طی، ۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۶۲۵). اجماع عظیم و گسترده‌ای بر فتوای مذکور وجود دارد. متقدمان و متأخران معتقد به مشروط‌نبودن وجوب حج به اذن زوج هستند. نقد اجماع مذکور که یک اجماع مدرکی است، با بررسی مدرک آن صورت خواهد گرفت.

دیدگاه مختار

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، قاعده و اصل اولی، ممنوعیت سفر و انجام حج بدون اذن زوج است. البته دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که حرمت خروج از منزل بدون اذن زوج، مشروط به صدق عنوان نشوز است (خویی، ۱۴۱۸هـ ج ۲، ص ۱۰۰). البته چنانچه دلیلی بر وجوب انجام حجه الاسلام بر زوجه یافت شود، می‌توان آن را از مصداق نشوز بودن خارج دانست؛ ولی چنانچه بتوان به اثبات رساند که در فرضی که حج زوجه، به تضييع حق زوج مبنی بر لزوم تمکین خاص از سوی زوجه بینجامد، حج بر زوجه واجب نیست، بی‌تردید می‌توان خروج زوجه جهت انجام حج را مصداق نشوز دانست. بدین جهت، صدق و عدم صدق عنوان نشوز نیز دائر مدار اثبات این است که آیا بالاخره رضایت زوج، دخالتی در مستطیع‌شمردن زوجه دارد یا نه؟ بنابراین در فرع محل بحث - یعنی خروج زوجه جهت انجام حجه الاسلام - چنانچه دلیلی خاص بر خروج از تحت قاعده و اصل اولی وجود داشت، مطابق آن عمل می‌شود؛ اما در صورت فقدان دلیل یا حصول شک و شبهه، به اصل اولی یعنی ممنوعیت حج بدون اذن زوج، مراجعه می‌شود. از آنجایی که مهم‌ترین دلیل فقها بر مشروط‌نبودن حجه الاسلام به اذن زوج، اخبار دسته دوم است که در ابتدای پژوهش بیان شد، لازم است در اینجا ابتدا به بررسی مفاد اخبار مذکور و

سپس به تحلیل نسبت آنها با اخبار دسته نخست پرداخت. در تبیین این استدلال چند مقدمه بیان می‌شود:

مقدمه نخست: مفاد اخبار دسته دوم

روایات این دسته از اخبار بر دو قسم‌اند:

قسم نخست: اخباری که سؤال راوی در موردی است که زوج، از اجازه‌دادن به زوجه خودداری ورزیده، سپس غائب شده است؛ یعنی زوج، پس از ابراز مخالفت، دیگر نزد زوجه نیست تا انجام حج، منافاتی با حقوق او داشته باشد. بنابراین شاید حکم امام درباره عدم نیاز به اجازه‌گرفتن از شوهر، مربوط به فرضی است که شوهر غائب است و حج‌گزاردن زن، منافاتی با حقوق شوهر ندارد. البته ذکر این نکته لازم است که استدلال مذکور، مبتنی بر مخصّص‌بودن مورد نیست، چرا که اصولیون، تصریح به عدم مخصّصیت آن دارند. استدلال مذکور بر پایه عدم تمامیت مقدمات حکمت، استوار است. توضیح آنکه اطلاق دلیل، از ادله تعلیقی است که حجیت آن متوقف بر تمامیت مقدمات حکمت است. یکی از مقدمات حکمت، احراز آن است که متکلم در مقام بیان باشد و قرینه‌ای برخلاف، نصب نکرده باشد (طباطبایی قمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۵). وقتی پرسش راوی مربوط به جایی است که انجام حج، مستلزم تضييع حقوق زوج نباشد، چه بسا امام با اعتماد به قرینه‌بودن سؤال، از مقیدساختن پاسخ احتراز فرموده باشد؛ بنابراین پاسخ امام، ظهور در اطلاق پیدا نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، در فرض غیبت زوج، اساساً حقوق جنسی و لزوم تمکین خاص منتفی است و شاید به همین جهت است که امام، مجوز انجام حج را صادر فرموده است. نتیجه آنکه نمی‌توان گفت مطلقاً - اعم از آنکه انجام حج، مستلزم تضييع حقوق شوهر بشود یا نشود - اطاعت از شوهر لازم نیست، بلکه با توجه به اینکه سؤال راوی، مربوط به فرض غیاب شوهر است، چه بسا سقوط لزوم اطاعت از شوهر، تنها در فرضی است که انجام حج، مستلزم تضييع حق شوهر نباشد.

شاید این اشکال به ذهن برسد که استدلال به این وصف غایب برای اثبات مدعا منوط به مفهوم‌داشتن وصف است که دانشمندان علم اصول غالباً قائل به عدم مفهوم وصف

هستند. در رفع این اشکال باید گفت استدلال مذکور بر پایه تمسک به مفهوم وصف نیست بلکه بر پایه عدم احراز تمامیت مقدمات حکمت است. به عبارت دیگر، تمسک به اطلاق حدیث، در گرو احراز و قطعی‌انگاشتن در مقام بیان بودن متکلم و عدم وجود قرینه برخلاف است، حال آنکه وقتی مقام و ظرف طرح پرسش، مقام غیاب زوج است، خود این مقام می‌تواند قرینه مقامیه و حالیه برخلاف باشد. به فرض که گفته نشود این مقام و ظرف، قرینه قطعی بر تقیید جواز انجام حجه الاسلام به فرض غیاب زوج و عدم تنافی با حقوق خاصه اوست، لا اقل جلوی احراز و قطعی‌انگاری تمامیت مقدمات حکمت را می‌گیرد و در نتیجه جایی برای تمسک به اطلاق حدیث باقی نمی‌گذارد.

قسم دوم: اخباری هستند که تقیید مذکور، در سؤال راوی وجود ندارد. روایت سومی که در اخبار دسته دوم بیان شد، به همین کیفیت بود. از آنجایی که صناعت جمع بین مطلق و مقید، اقتضای حمل مطلق بر مقید را دارد، اطلاق این قسم، حمل بر تقیید قسم نخست می‌شود، در نتیجه بیان می‌شود حکم امام - مبنی بر عدم اشتراط اذن زوج - مربوط به فرضی است که انجام حج توسط زوج، مستلزم تضييع حق شوهر نباشد. جهت تقویت استدلال و رفع اشکال احتمالی، یک پرسش مقدر و پاسخ آن بیان می‌شود:

اشکال: اعمال صناعت تقیید و ملاحظه نسبت اطلاق و تقیید در صورتی است که قید غایب احترازی باشد، در صورتی که احترازی بودن قید غائب در اینجا مسلم نیست.

پاسخ: جهت رفع این اشکال، مجدداً این نکته بیان می‌شود که این استدلال هرگز برپایه تمسک به مفهوم وصف نیست تا چنین اشکالی بر آن وارد شود، بلکه برپایه عدم تمامیت مقدمات حکمت است، گرچه اگر بر پایه تمسک به مفهوم وصف نیز بود، نظر به اصل احترازی بودن قیود، باز هم این اشکال جایی نداشت.

مقدمه دوم: نسبت بین اخبار دسته دوم و اخبار دسته نخست

با توجه به وجه جمعی که بین دو قسم اخبار دسته دوم بیان شد، به مقتضای لزوم حمل مطلق بر مقید، دانسته شد مستفاد از اخبار دسته دوم آن است که چنانچه انجام حج توسط زوج، مستلزم تضييع حقوق شوهر نباشد، منع شوهر و جاهت ندارد؛ از این رو بر

زن، تبعیت و اطاعت از شوهر لازم نیست. اخبار دسته نخست اطلاق و عمومیت دارند و مطابق آنها زن، بدون اذن زوج، به هیچ وجه حق انجام سفر یا حج را ندارد. حال دو فرع، محل پرسش هستند که آیا از اصل مذکور، خارج شده‌اند یا نه؟

فرع نخست: انجام حجه الاسلام توسط زوجه، در فرضی که مستلزم تضييع حقوق شوهر نباشد.

فرع دوم: انجام حجه الاسلام توسط زوجه، در فرضی که مستلزم تضييع حقوق شوهر باشد.

فرع نخست، مطابق اخبار دسته دوم، از قاعده و اصل مذکور خارج است؛ از این رو منع شوهر در این فرض، وجاهت شرعی ندارد و اطاعت از وی واجب نیست، اما در فرع دوم، دلیلی بر خروج از تحت قاعده و اصل مذکور وجود ندارد.

مقدمه سوم: تمسک به عام در شبهه مفهومیه

طبق بیانی که در مقدمه دوم بیان شد، اساساً جای هیچ‌گونه اجمال و ابهامی باقی نمی‌ماند، بلکه نظر به لزوم حمل مطلق بر مقید، دانسته شد که مستفاد از اخبار دسته دوم، سقوط لزوم تبعیت از زوج، صرفاً در فرض عدم تضييع حقوق زوج است. حال بر فرض، کسی در اعتبار چنین وجه جمعی خدشه کند و به هر دلیل، تقیید ادله را آشکار و مبین نداند، لا اقل حکم به اجمال ادله دسته دوم می‌شود؛ یعنی می‌گوییم با توجه به اینکه پرسش راوی، در فرض غیاب زوج است، دانسته نمی‌شود که آیا پاسخ امام نیز ناظر به همین فرض است یا اینکه اطلاق دارد؟ در نتیجه حکم به اجمال ادله می‌شود؛ بنابراین در اینجا تکلیف چیست؟ طبق باور دانشمندان علم اصول، در شبهات مفهومیه‌ای که مخصص آن، منفصل و دوران امر بین اقل و اکثر است، عام بر حجیت خود باقی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ هـ ص ۲۲۰). در مقام توضیح این پاسخ باید گفت در اینجا با یک عام، مواجه هستیم که همان «لزوم تبعیت از زوج جهت انجام سفر» است. یک خاص منفصل نیز وجود دارد که همان «سقوط اعتبار اذن زوج» است، لکن این خاص منفصل، مجمل است؛ یعنی مشخص نیست سقوط اعتبار اذن زوج، تنها در فرض عدم تضييع حقوق شوهر است یا

مطلق است؟ ضمناً نمی‌توان مدعی شد که پاسخ امام، ظهور در یک امر کلی دارد، چراکه ظهوری که بر پایه تمسک به اطلاق کلام متکلم باشد، ظهور تعلیقی - و نه تنجیزی - است که در گرو تمامیت مقدمات حکمت است. از مهم‌ترین مقدمات حکمت، احراز عدم نصب قرینه بر خلاف است. از آنجایی که ظرف و مقام پرسش، پیرامون فرض غیاب زوجه است، خود این مقام صدور سؤال، می‌تواند قرینه مقامیه و حالیه بر اراده خلاف باشد؛ در نتیجه، احراز صورت نپذیرد، یعنی نتوان قطع به نصب قرینه بر خلاف، تحصیل کرد. در اینجا است که گفته می‌شود دوران بین اقل و اکثر است، زیرا قدر متیقن بین آنها وجود دارد؛ یعنی فرع نخست که به یقین از تحت عام، خارج می‌شود و شک ما در خروج فرع دوم - علاوه بر خروج فرع نخست - است. این مبحث طرح می‌شود که آیا اجمال دلیل خاص به دلیل عام هم سرایت پیدا می‌کند یا نه؟ عمدتاً اصولیون نظیر صاحب کفایه بر این باورند که اجمال خاص، مطلقاً به دلیل عام سرایت نمی‌کند، نه حکماً و نه حقیقتاً^۱ خوند خراسانی، ۱۴۰۹ هـ - ص ۲۲۰؛ یعنی دلیل عام نه واقعاً مجمل می‌شود و نه محکوم به حکم مجمل می‌شود، بلکه همچنان بر ظهورش باقی است. دلیل مطلب آن است که عام، ظهور در عمومیت پیدا کرده است؛ از این رو حجیت در عمومیت دارد. دلیل خاص، مجمل است و خطاب مجمل صرفاً در قدر متیقن حجت است، پس نسبت به اکثر، دلیل عام، که ظهورش محفوظ است، حجت بلامزاحم می‌شود و به اصطلاح، مقتضی موجود است و مانع هم مفقود است؛ پس به عموم عام عمل می‌شود؛ در نتیجه بر فرض که حکم به اجمال اخبار دسته دوم داده شود، مقتضای اجمال ادله، لزوم اکتفا به قدر متیقن است؛ از این رو در خارج از قدر متیقن به عمومیت عام، عمل می‌شود؛ بنابراین در جایی که انجام حج، مستلزم تضییع حقوق شوهر باشد به عموم ادله لزوم کسب اذن از شوهر، مراجعه می‌شود.

مقدمه چهارم: عدم احراز عنوان استطاعت

زمانی که شارع حکمی را بر موضوعی مترتب می‌سازد، چنانچه خود، تبیین و تفسیر خاصی از آن موضوع بیان کند، می‌بایست جهت احراز موضوع، به قیود مأخوذ در بیانات شارع توجه کرد، اما چنانچه شارع تفسیر خاصی از موضوع بیان نکند، باید به معنای

عرفی آن مراجعه شود. در بحث ما موضوع ادله وجوب حج، عنوان استطاعت است. در این باره که آیا استطاعت، به معنای عرفی اش، موضوع ادله وجوب حج قرار گرفته است یا به معنای خاص شرعی، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. برخی معتقدند استطاعت، به معنای عرفی، موضوع قرار گرفته است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ هـ ج ۱، ص ۲۳۶)؛ ۲. برخی دیگر معتقدند که شارع، معنای خاص شرعی را از این لفظ اراده کرده است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ هـ ص ۹).

حال اگر استطاعت به معنای عرفی، موضوع ادله وجوب حج باشد، مقتضای وجوب حج در فرض ما وجود دارد، یعنی زنی که از تمکن‌های لازم جهت انجام حج، برخوردار است و شوهرش اجازه حج نمی‌دهد، مقتضی وجوب حج را دارد. در ضمن، نظر به مفاد اخبار دسته دوم، چنانچه انجام حج، مستلزم تضييع حقوق شوهر نباشد، وجوب حج با مانع مواجه نیست، پس در این فرض، حج بر او واجب است. خلاصه اینکه مقتضی، موجود است و مانع، مفقود است؛ از این رو حکم به وجوب حج بر زوجه می‌شود. لکن در فرضی که مستلزم تضييع حقوق شوهر باشد، مانع از وجوب حج، وجود دارد؛ از این رو مقتضی وجوب حج، در مرتبه اقتضاء باقی می‌ماند و حکم به فعلیت وجوب نمی‌شود، اما اگر استطاعت به معنای خاص شرعی باشد، طبیعتاً جهت دریافت مقصود شارع از استطاعت، می‌بایست به بیانات شارع مراجعه کرد. از اخبار دسته نخست استفاده می‌شود در فرضی که انجام حج، مستلزم تضييع حقوق شوهر باشد، اساساً زوجه از نظر شرعی مستطیع نخواهد بود؛ زیرا مطابق آن اخبار، خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر معصیت است و نهی شرعی دارد. نظر به اینکه مانع شرعی به منزله مانع عقلی است، یعنی همانگونه که اگر شخصی با مانع عقلی مواجه شده باشد، قادر به انجام تکلیف نخواهد بود، در صورت حصول مانع شرعی نیز مسلوب‌القدرت خواهد بود، اگر صرفاً اخبار دسته نخست در اختیار بود، حکم به عدم حصول عنوان استطاعت داده می‌شد؛ چراکه اگر خروجی که مستلزم نشوز و تضييع حق شوهر باشد، معصیت تلقی شود، خود، منع شرعی شمرده می‌شود که به منزله مانع عقلی و مانع از حصول عنوان استطاعت خواهد بود. به همین جهت، فقهای اهل سنت که با اخباری نظیر اخبار دسته دوم مواجه نیستند و در منابع روایی خود صرفاً با اخباری به مضمون اخبار دسته نخست مواجه‌اند، اذعان به عدم

صدق عنوان استطاعت در این فرض کرده‌اند (کیا هر اسی، ۱۴۰۵ هـ ج ۲، ص ۲۹۵)؛ بنابراین چنانچه انجام حج، مستلزم تضييع حقوق شوهر باشد، اصل وجود مقتضی، مخدوش خواهد شد. در هر حال، خواه استطاعت به معنای معهود عرفی باشد، خواه به معنای خاص شرعی، چنانچه انجام حج، مستلزم تضييع حقوق شوهر شود، با توجه به تأکيدات مکرر و اولویتی که به این موضوع در روایات داده شده است، وجوب حج متوجه زوجه نخواهد بود. به عبارت دیگر در جایی که ادای حقوق شوهر و ادای حج، با هم در مقام فعلیت و تحقق خارجی تزامن داشته باشند، اصلاً وجود مناط و ملاک وجوب حج، محرز نخواهد بود. قطع به عدم استطاعت و یا شک در حصول استطاعت، به عدم احراز مناط وجوب می‌انجامد؛ از این رو حکم وجوب مترتب نخواهد شد. در پایان سزاوار است جهت متمیم استدلال به سه اشکال نیز پاسخ داده شود:

اشکال نخست: آیا فقها به‌ویژه فقهای متقدم و متصل به عصر معصوم (ع) چنین توسعه مفهومی‌ای برای استطاعت قائل‌اند؟ تفسیر استطاعت از منظر فقهای شیعی کدام است؟ چگونه می‌توان اجماعی که فقها در مقام تفسیر استطاعت داشته‌اند، چنین خرق و نقض کرد؟

پاسخ: جهت رفع این اشکال، کافی است به اختلاف دیدگاه‌های عدیده‌ای که در مقام مفهوم‌شناسی استطاعت وجود دارد، اشاره شود. شهید صدر برخی از وجوه احتمالی را که پیرامون مفهوم‌شناسی نهاد استطاعت در کلمات فقها یافت می‌شود، به این ترتیب برمی‌شمارد:

تفسیر نخست: استطاعت، چیزی جز قدرت عقلی نیست؛ بنابراین استطاعت به معنای تمکن - در مقابل عجز - است.

تفسیر دوم: استطاعت به معنای قدرت شرعی سلبی است. مقصود از قدرت شرعی سلبی این است که حدود و ثغور مفهوم استطاعت، توسط شارع بیان نشده است، بلکه این ادله نفی ضرر و ادله نفی حرج و امثال اینها، ملاک تحقق استطاعت‌اند.

تفسیر سوم: شارع مقدس مقصود خود را از استطاعتی که در ادله وارد شده، آشکارا تبیین فرموده است، بنابراین استطاعت، عبارت است از قدرت شرعی به معنای ایجابی، که تمام قیود و اجزاء دخیل در حصول آن، طی روایات و اخبار بیان شده است.

تفسیر چهارم: استطاعت، از یک معنای شرعی برخوردار است، ولی این معنای شرعی، مجمل است، به این معنا که می‌توان بر پایه روایات، تعریف خاصی از استطاعت را استظهار کرد و برای آن، یک معنای شرعی خاص - مغایر با معنای شناخته شده عرفی - قائل شد، لکن نظر به اینکه همه قیود و حدود این نهاد به صورت مبین در اخبار بیان نشده است، از مفاهیم مجمل شمرده می‌شود.

تفسیر پنجم: اساساً استطاعت دارای معنای مصطلح و مجعول شرعی نیست، بلکه به معنای قدرت عرفی است(صدر، ۱۴۲۰هـ ج ۲، ص ۲۸۹).

در اثبات هر یک از این تفسیرها ادله‌ای ذکر شده که از حوصله این نوشتار خارج است، لکن غرض، تبیین این مطلب است که استطاعت در کلمات فقها با تفاسیر مختلفی مواجه است(رک: موزنی بیستگانی؛ مختاری افراکتی؛ سالارزهی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴).

اشکال دوم: چرا اجماع برخلاف قاعده شکل گرفته است؟

پاسخ: توجه به نظایر متعدد این مسئله، راه را بر هر استبعادی می‌بندد. موارد متعددی را می‌توان نظیر این مسئله دانست؛ موارد بسیاری که محقق در شرائع، به تردید درباره آنها می‌پردازد و با عنوان «فیه تردد» به فتاوی جزمی پیشینیان می‌پردازد و فقهای پس از محقق، با عبارت «و اول من تردد فیه المحقق» به این تردیدات شرائع، اشاره می‌کنند، همگی می‌توانند استبعاد از این جهت را برطرف سازند.

به‌عنوان مثال فقهای شیعه تا سده ششم در بحث بلوغ صبی پیش از رسیدن به عرفات و مشعر، جزم به مجزی بودن حج صبی در فرض مذکور داشتند. حتی برخی از فقهای سده هشتم نیز بر این فتوا جازم بودند(طی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۳۰۶). تبارشناسی این دیدگاه حاکی از آن است که وقتی درباره این فتوا دقت بیشتری صورت می‌گیرد، برخی فقها در آن به تردید می‌پردازند. نخستین فقیه‌ای که در آن تردید کرد، محقق حلی در شرائع بود(محقق حلی، ۱۴۰۸هـ ج ۱، ص ۲۰۰؛ همو، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۷۴۹). علامه

حلی در میان سه دیدگاهی که در کتب فقهی خود بیان می‌کند، یک سیر فتوایی از نهایت جزم تا نهایت تردید را به نمایش می‌گذارد. ایشان در تذکره و تلخیص المرام و تبصره، به صورت جزمی فتوا به اجزاء می‌دهد/حلی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۸؛ همو، ۱۴۱۱ هـ ص ۷۱؛ همو، ۱۴۲۱ هـ ص ۵۸. سپس در تحریر، فتوا به اجزاء را محل نظر معرفی می‌کند، اما در نهایت قول به اجزاء را اختیار می‌کند/همو، ۱۴۲۰ هـ ج ۱، ص ۵۴۳. اما در کتاب تحریر، تردید در این مسئله را به اوج رسانده و پس از ابراز این مطلب که «ففي الأجزاء تردد» سخن را چنین پایان می‌دهد که «و لو قيل به كان وجهاً»/همو، ۱۴۲۰ هـ ج ۱، ص ۵۹. از این زمان به بعد، بسیاری از فقها دقیقاً برخلاف اجماع شکل‌گرفته از سوی متقدمان که نزدیک به عصر معصوم بوده اند، عدم اجزاء را اولی می‌دانند/ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ هـ ص ۱۷۳؛ صیمری، ۱۴۲۰ هـ ج ۱، ص ۲۸۱. تطور و سیر این فتوا به جایی می‌رسد که از سده یازدهم به بعد، قول به اجزاء به شدت مورد مخالفت فقهایی نظیر محمدتقی مجلسی (۱۴۰۷ هـ ج ۵، ص ۳۷)، ملامحمد هادی مازندرانی (۱۴۲۹ هـ ج ۴، ص ۴۹۴)، و بحرانی (۱۴۰۵ هـ ج ۱۴، ص ۶۱) قرار می‌گیرد.

اشکال سوم: این پژوهش، در مقام تزامم بین حق زوج، که حق الناس است، و مصالح عالی حج، که حق الله است، حق زوج را در اولویت قرار داده است. این در حالی است که در موارد تزامم هر یک از واجبات الهی با واجب اطاعت از زوج، بایستی مسئله جداگانه فرض شود و از ادله خاص آن جهت استظهار اهم و مهم، بهره جست.

پاسخ: جهت رفع این اشکال باید گفت رسالت اصلی این پژوهش، خدشه در ادله خاصه‌ای است که گمان برده شده در فرض استطاعت زوجه، انجام حج به صورت مطلق بر او واجب است و حق معنوی زوجه مبنی بر انجام حج، مقدم بر حق تمکین خاص زوج است و این تقدم را مستفاد از ادله خاصه دانسته‌اند. در این پژوهش دلالت این ادله خاصه مورد نقد قرار گرفت؛ بنابراین قول به تقدم حق زوج نمی‌تواند بر پایه ادله خاصه باشد. این مسئله که در مقام تزامم بین حق الله و حق الناس کسی قول به تقدم حق الله در این فرض را اثبات کند، سخن دیگری است که نیاز به تحقیق و پژوهش مستقل دیگری دارد و رسالت این پژوهش، صرفاً اثبات این است که استنتاج و استظهار تقدم حق زوج، نمی‌تواند بر پایه ادله خاصه باشد.

یافته‌های پژوهش

نظر به اجماع فقها بر عدم اشتراط وجوب حجه الاسلام به اذن زوج، قول به خلاف دیدگاه مذکور دشوار است، ولی از منظر تحقیقی، مقتضای بازپژوهی و تأمل در ادله باب، آن است که در فرض تضييع حق شوهر - خصوصاً به گناه افتادن وی - انجام حج توسط زوجه بدون اذن زوج، با تأمل مواجه است. مهم‌ترین مدرک دیدگاه اجماع‌کنندگان، اطلاق اخباری است که حکم به عدم لزوم اطاعت از شوهر جهت انجام حجه الاسلام می‌کنند، درحالی‌که تمامیت مقدمات حکمت در اخبار مذکور، محرز نیست؛ زیرا پرسش راوی دربارهٔ موردی است که زوج، پس از اظهار منع، غائب شده است؛ بنابراین چه بسا مفروض و مورد سؤال راوی، قرینه بر تقیید مراد جدی امام باشد، یعنی سقوط اعتبار اذن زوج، در فرضی باشد که انجام حج، مستلزم تضييع حق خاص شوهر نباشد؛ به این ترتیب، اگر کسی مقیدبودن اخبار دستهٔ دوم را نپذیرد، لاقلاً می‌بایست حکم به اجمال آنها دهد. آنگاه چون اجمال خاص از سنخ شبهه مفهومیه است می‌بایست در موارد شبهه مفهومیه که خاص، منفصل، و امر آن دائر بین اقل و اکثر است به عمومیت عام، مراجعه کرد؛ بنابراین مطابق عمومیت اخبار دستهٔ نخست و مطابق اصل اولی، حکم به اعتبار اذن شوهر می‌شود. حال اگر استطاعت را به معنای خاص شرعی، موضوع ادله بدانیم در فرضی که انجام حج، مستلزم تضييع حقوق شوهر به‌ویژه تمکین خاص باشد و زوج امکان بهره‌گیری شرعی از آن را نداشته باشد و با توجه به طولانی‌بودن مراسم حج تمتع احتمال ارتکاب حرام برود، در این صورت، اساساً مقتضای وجوب وجود ندارد. حتی چنانچه استطاعت را به معنای معهود عرفی، موضوع ادله وجوب حج بدانیم، مقتضای وجوب حج وجود دارد، لکن با مانع مواجه است.

منابع

آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹هـ). کفایه الأصول. قم: طبع آل البیت، چاپ نخست.
ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی‌تا). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰هـ). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳هـ). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن‌حبیب، نعمان بن محمد (۱۳۸۵هـ). *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام، چاپ دوم.
- ابن‌سعید حلی، یحیی بن احمد (۱۴۰۵هـ). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵هـ). *الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره* (محمد تقی ایروانی؛ سید عبدالرزاق مقرم، محققان). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷هـ). *صراط النجاه*. قم: دار الصدیقه الشهیده، چاپ نخست.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰هـ). *تاج اللغة و صحاح العربیه*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹هـ). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴هـ). *آیات الأحكام*. تهران: انتشارات نوید، چاپ نخست.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰هـ). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۱هـ). *تبصره المتعلمین فی أحكام الدین* (محمد هادی یوسفی غروی، محقق). تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۴۲۰هـ). *تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- _____ (۱۴۱۴هـ). *تذکره الفقها*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام.
- _____ (۱۴۲۱هـ). *تلخیص المرام فی معرفه الأحكام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- _____ (۱۴۱۳هـ). قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۲هـ). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸هـ). موسوعه الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ نخست. #
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲هـ). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۵هـ). فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- زبیدی، محب‌الدین، (۱۴۱۴ هـ) تاج العروس من جواهر القاموس، لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۷هـ). المسائل الناصریات. تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الإسلامیه.
- شیرازی زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹هـ). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، چاپ نخست.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴هـ). غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۲۳هـ). فقه الحج. قم: مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها، چاپ نخست.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰هـ). ماوراء الفقه. بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع. صیمری، مفلح (۱۴۲۰هـ). غایه المرام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار الهادی.
- طباطبایی قمی، تقی (۱۳۷۱هـ). آراؤنا فی أصول الفقه. قم: محلاتی، چاپ نخست.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹هـ). العروه الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ نخست.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰هـ). *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ نخست.

_____ (۱۳۷۵هـ). *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*. تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهلستون.

_____ (۱۴۰۷هـ). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

_____ (۱۴۰۰هـ). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دار الکتب العربی، چاپ

دوم.

فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷هـ). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع* (علی پناه اشتهاوردی؛ آقا حسین یزدی، محققان). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فاضل مقداد، جمال الدین (۱۴۱۹هـ). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. بی نا

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰هـ). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.

فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد* (سید حسین موسوی کرمانی؛ علی پناه اشتهاوردی؛ عبدالرحیم بروجردی، محققان). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

روحانی، محمدصادق (۱۴۳۵هـ). *منهاج الصالحین*. بیروت: دار بلال للطباعة و النشر

کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲هـ). *أنوار الفقاهه - کتاب الحج*. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷هـ). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کیاهراسی، علی بن محمد (۱۴۰۵هـ). *احکام القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

مازندرانی، محمدهادی بن محمد صالح (۱۴۲۹هـ). *شرح فروع الکافی*. قم: دارالحديث للطباعة و النشر.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳هـ). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶هـ). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیپور.
- محقق ثانی (کرکی)، علی بن حسین (۱۴۱۴هـ). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۷هـ). *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷هـ). *المعتبر فی شرح المختصر* (محمد علی حیدری؛ سید مهدی شمس‌الدین؛ سید ابومحمد مرتضوی؛ سید علی موسوی، محققان). قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
- _____ (۱۴۰۸هـ). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (عبدالحسین محمد علی بقال، محقق). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۱۸هـ). *المختصر النافع فی فقه الإمامیه*. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- محقق سبزواری، محمد باقر (۱۴۲۳هـ). *کفایه الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). *زبده البیان فی أحكام القرآن* (محمد باقر بهبودی، محقق). تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶هـ). *مناسک الحج*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم.
- مؤذنی بیستگانی، حمید؛ مختاری افرکتی، نادر؛ سالارزهی، امیر حمزه (بهار و تابستان ۱۳۹۸). *مفهوم‌شناسی استطاعت در فرض عدم حاجت به راحله، پژوهشنامه حج و زیارت*، ۴(۷)، ص ۱-۱۶۴.